

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۹

تأثیر توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر تحولات جدید خاورمیانه

(مطالعه موردی تونس و مصر)

نوشته

غلامرضا خواجه سروی *

علی خلیلی پور رکن آبادی **

رضا نیکنام ***

مهدی یزدان پناه ****

چکیده

پدیده اینترنت به عنوان سرآمد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، از یک سو موجب درنوردیدن مرزهای ملی و کاهش قدرت دولت‌ها (به ویژه حکومت‌های دیکتاتور) شده است و از سوی دیگر ارتباطات انسانی را گسترش و گروه‌های انسانی را در جوامع مختلف به هم نزدیک کرده است. با این مقدمه کوتاه، ما در این نوشتار به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی چه تأثیری بر تحولات جدید خاورمیانه، به ویژه در دو کشور مصر و تونس داشته است؟ به عبارت دیگر، تا چه مقدار میزان دسترسی مردم این کشورها به رسانه‌های جمعی همچون اینترنت، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و ... در بروز این تحولات نقش داشته است؟ در پاسخ کوتاه می‌توان گفت ضمن اینکه گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت ابزاری برای اطلاع‌رسانی و افزایش بینش سیاسی مردم و به نوعی تشکیل طبقه اجتماعی جدیدی (به لحاظ میزان آگاهی) در این کشورها شده است، گسترش روزافزون استفاده از اینترنت در بین مردم منطقه منجر به تحت پوشش قرار دادن سرکوب‌های سیاسی این رژیم‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی، افزایش سرعت و گسترش این تحولات، بالا رفتن هزینه سرکوب و رسوخ پذیر شدن حاکمیت دولت‌ها و آشنا شدن مردم منطقه با دموکراسی و ارزش‌های انسانی شده است. لذا به نظر می‌رسد که عامل یا متغیر توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در کنار عوامل دیگری چون اقتصاد ناکارآمد و فضای بسته سیاسی، توانسته از نقش قابل توجهی در تحولات اخیر خاورمیانه به ویژه در دو کشور تونس و مصر برخوردار باشد.

۵

تأثیر توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر ...

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) khajehsarvy@yahoo.com

** دانشجوی کارشناس ارشد مطالعات آمریکای شمالی دانشگاه تهران khaliipoorali@gmail.com

*** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره) R.nicknam@alumni.ut.ac.ir

**** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز Mehdi_yazdanpanah@yahoo.com

کلید واژه: توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، آگاهی سیاسی، نفوذپذیری حکومت‌ها، تونس، مصر.

مقدمه

امروزه پیشرفت تکنولوژی و گسترش رسانه‌های جمعی، تحولات زیادی را در ارتباطات و عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... پدید آورده است. در این میان اینترنت در کنار دیگر کارکردهایش، از یک سو آگاهی سیاسی افراد را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر آن‌ها را در مناسبات سیاسی درگیر می‌کند و از آنجایی که فضای عمومی شهری برای گفت‌وگو به ندرت وجود دارد، فضای مجازی به عرصه‌ای برای گفت‌وگو تبدیل شده است و ویژگی اصلی آن، پویایی این فضا است که با توجه به ابزارهایی که در اختیار کاربران قرار می‌دهد سبب می‌شود تا افراد بهتر بتوانند گرایش‌های سیاسی خود را نشان دهند. در حقیقت در "عصر اطلاعات"، (Information Age) همان‌طور که جوزف نای مطرح می‌کند، جذب افکار عمومی برای تمامی حکومت‌ها و در قالب قدرت نرم (Soft Power)، از اهمیت اساسی و ضروری برخوردار است. و این در حالی است که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، همچنان شاهد تدوام حکومت‌های دیکتاتور و سرکوب‌گری هستیم که برای سالیان متمادی ضمن سرکوب خواسته‌های واقعی مردم خود و ممانعت از مشارکت سیاسی آنان، توانسته‌اند حکومت خود و در واقع وضعیت موجود را همچنان حفظ کنند. در حقیقت، استفاده از قدرت سخت در این منطقه همچنان رواج داشته است.

اما از اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی، شاهد تحولاتی جدید و ظهور جنبش‌های مردمی در این منطقه و در کشورهایی همچون تونس (به عنوان اولین کشور)، مصر و شماری دیگر از این کشورها هستیم. بنابراین آنچه که در این میان می‌تواند مورد تأمل قرار گیرد، میزان نقش و جایگاه توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در شکل‌گیری، تسریع و گسترش این تحولات است. در واقع، این سؤال اساسی مطرح است که توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی چه تأثیری بر تحولات جدید خاورمیانه، به ویژه در دو کشور مصر و تونس داشته است؟ نویسنده در پاسخ به این سؤال، متغیر یا عامل توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تأثیرات سیاسی آن همچون: افزایش آگاهی و بینش سیاسی مردم، بالارفتن هزینه سرکوب توسط حکومت‌ها، کاهش قدرت دولت‌ها در کنترل و هدایت اطلاعات، شکل‌گیری طبقه جدید اجتماعی مبتنی بر آگاهی سیاسی، محبوبیت روزافزون دموکراسی و... را یکی از عوامل شتاب‌زا در شکل‌گیری و گسترش این تحولات و جنبش‌های مردمی، در کنار دو عامل اساسی دیگر یعنی اقتصاد ناکارآمد و ساختار سیاسی غیردموکراتیک می‌داند. لذا در این راستا، مقاله در قالب سه بخش مجزا ۱. طراحی چارچوب نظری جهت بیان تأثیرات سیاسی توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

۲. بررسی ساختار سیاسی مصر و تونس ۳. توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تأثیر آن بر تحولات جدید در خاورمیانه، به تبیین موضوع مورد نظر می‌پردازد و در نهایت، نتایج این پژوهش را مورد تأمل جدی قرار می‌دهد.

۱. چارچوب نظری: توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تأثیرات سیاسی آن

تحول عمده در زمینه توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی یا انقلاب اطلاعات را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تجمیع رایانه‌ها، رسانه‌ها و شکل‌گرفتن محیط اطلاعاتی جهانی». که در این بستر همه اطلاعات به طور فراگیر و خیلی سریع در دسترس افراد و دولت‌ها قرار می‌گیرد (Henry, 1998: 12). همچنین، انقلاب اطلاعات را به معنی پیشرفت‌های سریع فناوری در عرصه رایانه‌ها، ارتباطات و نرم‌افزار می‌دانیم که با خود کاهش چشمگیر هزینه پردازش و انتقال اطلاعات را به همراه آورده است. از سال ۱۹۴۵ به این سو، قیمت هر رایانه جدید هر ساله ۱۹ درصد کمتر شده و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های اطلاعات از ۷ درصد به حدود ۵۰ درصد رسیده است (روزنا و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۶۲).

سال ۱۹۹۳ در حدود پنجاه وب‌گاه در جهان بود اما در پایان این دهه این تعداد از پنج میلیون وب‌گاه هم گذشت. در سال ۲۰۱۰، چین به تنهایی نزدیک به چهارصد میلیون کاربر اینترنتی داشته است. پهنای باند ارتباطات به سرعت در حال گسترش است و هزینه‌های ارتباطی کاهش پیدا کرده‌اند. امروزه یک رشته نازک از فیبر نوری می‌تواند ۹۰۰۰۰ هزار جلد کتاب را در یک ثانیه انتقال دهد. در سال ۱۹۸۰ یک گیگابایت ذخیره‌سازی یک اتاق را اشغال می‌کرد اما امروزه ۲۰۰ گیگابایت ذخیره‌سازی در جیب پیراهن جای می‌گیرد (Nye, 2010: 2). هر روز تعداد صفحاتی که به اینترنت اضافه می‌شود ۹ برابر تعداد کسانی است که در آن روز به جمعیت جهان افزوده می‌شود. بسیاری از جنبه‌های زندگی ما به اینترنت و رایانه از جمله: ارتباطات (پست الکترونیک و تلفن همراه)، حمل‌ونقل (کنترل ترافیک سیگنال‌ها، موتور سیستم‌ها، هواپیماهای نوابری و...)، دولت (تولد، مرگ، سوابق اجتماعی، امنیت، صدور مجوز، پرونده‌های مالیاتی)، مالی (حساب‌های بانکی، وام، حقوق الکترونیک)، پزشکی (تجهیزات، سوابق پزشکی) و آموزش و پرورش (کلاس‌های درس مجازی، کارنامه‌های آنلاین و پژوهش) تکیه می‌کند (Newsletter, 2010: 1). امروزه اینترنت در سراسر دنیا در حدود ۲ میلیارد کاربر دارد در حالی که در سال ۲۰۰۰، تعداد کاربران حدود ۳۶۱ میلیون نفر بوده است. گسترش وسایل همراه که در سال ۲۰۱۰ در سراسر جهان در حدود ۵ میلیارد مشترک داشته، باعث شده تا در دنیای در حال پیشرفت امروز افراد بیشتری به اینترنت دسترسی داشته باشند. (Lord and Sharp, 2011: 22)

در این میان، امانوئل کاستلز از اولین و تأثیرگذارترین افراد در مباحث مربوط به عصر اطلاعات به شمار می‌آید (Castells, 1989: 45). کاستلز حجم کامل سه کتاب خود را به عصر اطلاعات اختصاص داده و به از دست رفتن حاکمیت دولت ملی و پیدایش هویت‌های بدیل اشاره کرده است.

این نویسنده اسپانیایی مارکسیست، در جلد اول کتاب خود به بحث دربارهٔ جامعهٔ شبکه‌ای می‌پردازد که آن را یکی از ویژگی‌های سرمایه‌داری متکی به اطلاعات به شمار می‌آورد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۵). پیترو دروکر کارشناس مسائل مدیریت، به همراه هیدی تافلر و الوین تافلر متخصصان مسائل آینده، معتقدند انقلاب اطلاعاتی، در حال پایان دادن به سازمان‌های سلسله‌مراتبی بوروکراتیکی است که در عصر دو انقلاب صنعتی نخست، پدیده‌ای معمول به حساب می‌آمدند. آن‌ها در ارتباط با جوامع مدنی معتقدند، سازمان‌های غیرمتمرکز شده و اجتماعات مجازی، در عرصهٔ اینترنت در حال گسترش هستند و مرزهای خود را در وادی حوزه‌های سنتی مربوط به اختیارات قانونی دولت‌ها، توسعه داده و الگوهای ویژه خود را در زمینهٔ اداره امور پدید آورده‌اند. استر دیسون کارشناس مسائل اینترنت نیز، از عبارت «بدون میانجی شدن حکومت» (Disintermediation of Government) استفاده کرده و تصویری از یک جامعه جهانی به دست داده است که در آن جوامع جغرافیایی محلی به یکدیگر پیوند خورده‌اند و نقاط پیوند نیز به واسطهٔ نوعی پوشش، از دیگران پنهان شده است (نای، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

ویمن، در سال ۲۰۰۴ دربارهٔ اینترنت این چنین می‌گوید:

دسترسی آسان، کم یا بدون مقررات و قوانین و سانسور یا دیگر اشکال کنترل دولت، به طور بالقوه مخاطبان گسترده‌ای در سراسر جهان دارد، ناشناس ماندن در فضای ارتباطات، جریان سریع اطلاعات، توسعهٔ ارزان و نگهداری از وبسایت، یک محیط چند رسانه‌ای (توانایی ترکیب متن، گرافیک، صدا، ویدئو و اجازه دانلود و غیره، توانایی پوشش آن در رسانه‌های سنتی است (Pladna, 2001: 3).

میترا و واتس نیز، به بررسی رابطهٔ اینترنت و حضور (صدای) گروه‌های اجتماعی می‌پردازند و «نظریه صدا» بر این واقعیت تأکید می‌کند که گروه‌های خاموش جامعه در واقع وسیله‌ای ندارند تا صدای خود را به خارج از گروه خود برسانند. آن‌ها معتقدند اینترنت توانسته این امکان را برای همهٔ افراد فراهم سازد تا صدایی داشته باشند (قائم و تارتار، ۱۳۸۴: ۶۲).

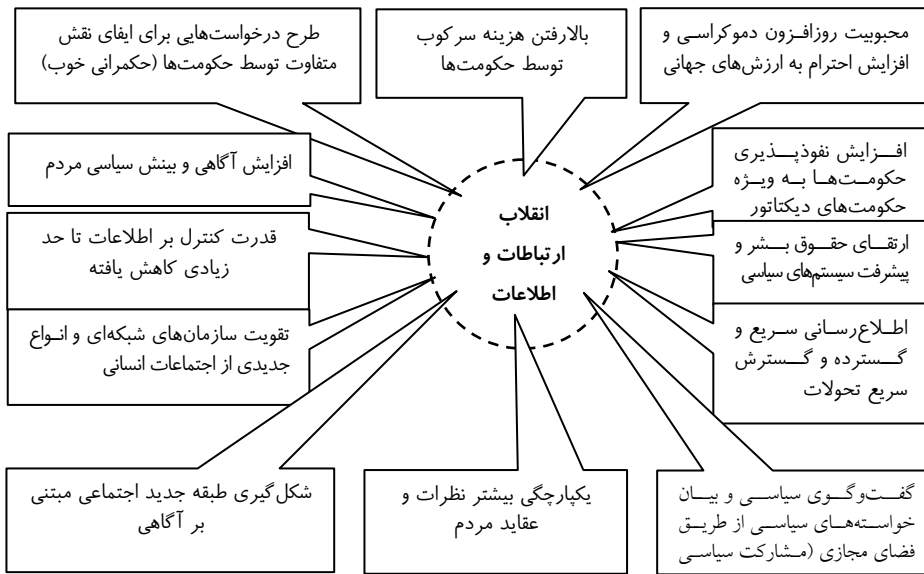
اینترنت، موجب درنوردیدن مرزهای ملی شده و قدرت دولت‌ها را کم‌اثر ساخته است؛ ارتباطات انسانی را گسترش داده و گروه‌های مختلف انسانی را در جوامع مختلف در ارتباط با یکدیگر قرار داده است. رابطه در فضای مجازی در موقعیت خصوصی صورت می‌گیرد و از این جهت نوعی گمنامی و ناشناسی برای افراد فراهم می‌آورد. اینترنت با فضای مجازی در معرفی جنبش‌های اجتماعی گوناگون در مقابل دولت‌های ملی نقش مهمی را ایفا می‌کند. به کمک اینترنت دیگر مخاطب منفعل نیست که فقط نظاره‌گر صرف محتوای برنامه‌های رسانه‌ای باشد، بلکه قدرتی کسب کرده است تا به سرعت به محتوای موجود بازخورد نشان دهد و در نحوهٔ تولید محتوا تأثیرگذار باشد و حتی خود به تولید محتوا بپردازد. به واسطهٔ این امکانات گروه‌ها و جنبش‌هایی که سابقاً قادر به بازنمایی خود و مشارکت در تولید محتوا در رسانه‌ها

نبودند و توسط قدرت موجود به حاشیه رانده شده بودند تا حدی توانسته‌اند صدا و حضور خود را شنیدنی کنند و می‌توانند از فضای مجازی به عنوان ابزاری برای نشر و گسترش فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود استفاده کنند، به ویژه گروه‌های حاشیه‌ای می‌توانند به سکویی دست یابند تا خود را متجلی سازند و این امر بسیاری از سیاست‌های حاکم را به چالش می‌کشد.

بنابراین عصری که در آن زندگی می‌کنیم، عصر ارتباطات و انقلاب اطلاعات است. فناوری اطلاعات و ارتباطات در همه زوایای زندگی انسان نفوذ کرده و شیوه زندگی او را تغییر داده است. پدیده اینترنت به عنوان سرآمد این فناوری، با اقبال گسترده مردم مواجه شده است. ویژگی سرعت، دقت و هزینه حداقل باعث شده که همه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی از آن بهره‌برداری کنند. سازمان‌های اطلاعاتی نیز امروزه از اینترنت چون ابزاری برای ارتباط سریع، کم‌هزینه و مطمئن و وسیله‌ای برای برخی دیگر اقدامات اطلاعاتی استفاده می‌کنند (میرمحمدی و محمدی لری، ۱۳۸۷: ۴۹). لانگ‌من و موریس، فضای مجازی را تحرک اجتماعی جدیدی می‌دانند که با استفاده از اینترنت و تکنولوژی‌های اطلاعاتی جدید به ایجاد تحرک اجتماعی و القای اطلاعات با هدف مقابله با هژمونی بر می‌خیزد. بیل مویر، از چهار نقش اساسی در جنبش اجتماعی یعنی شورش‌گر، شهروند، دگرگون‌ساز و مصلح توضیح می‌دهد که مصلحان افرادی هستند که از طریق فضای مجاری رسمی در پی ایجاد تغییر و تحقق اهداف خود هستند (اری، ۱۳۸۳: ۲۴).

رسانه‌های گروهی نیز یکی از منابع خلق و ایجاد مشروعیت در جامعه مدرن هستند و در جهت جذب افکار عمومی برای پیروی از سیاست‌های دولت و افزایش توانایی نفوذ آن نقش مهمی ایفا می‌کنند (Blummer, 1969: 8). رسانه‌ها به دلیل اینکه می‌توانند رهبری و عوامل مهم جنبش را برجسته سازند و آن‌ها را عقلانی و مشروع تصویر کنند، نقش مهمی در شکل‌گیری جنبش‌های جدید اجتماعی داشته‌اند. برای مثال، ماریسون و لاول نشان داده‌اند که چگونه رسانه‌ها و توجه رسانه‌ای باعث تأثیر مهم در تغییر و تحول تاکتیک‌ها و اهداف سازمان‌های محیط زیست در انگلستان شده است (Lowe & Morison, 1984: 90). در ضمن، پوشش رسانه‌های گروهی و فراگیری آن باعث شده است که جنبش‌های اجتماعی نیروی سیاسی و اجتماعی مهمی در جهت تغییرات اجتماعی به شمار روند (Gitlin, 1980: 153). رایت، سه سطح را در مورد اینترنت در درون یک جنبش تشخیص می‌دهد که گروه‌های مجازی خاموش نیز می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند: ۱. شبکه‌ای شدن درون یک جنبش، شامل استفاده از اینترنت برای جمع‌آوری و پخش اطلاعات برای فعالان جنبش ۲. شبکه‌سازی بین جنبش‌ها و گروه‌های اجتماعی، بر قرار کردن ارتباط با دیگر گروه‌ها و جنبش‌ها ۳. جنبش‌های مجازی، فضای مجازی را چون سکویی برای فعالیت‌های کاملاً مجازی که شامل مخالفت‌های الکترونیکی مانند نافرمانی‌های مدنی، انگ‌زنی، مخدوش کردن تصویر دیگران و ... استفاده می‌کنند (قائم و تارتار، ۱۳۸۴: ۸-۶۴).

لذا، جنبش‌های اجتماعی امروزه بیشتر متکی به تکنولوژی‌های جدید ارتباطی هستند که انقلاب الکترونیکی امکان ایجاد آن‌ها را مهیا ساخته است. زیرا این وسایل امکان گفت‌وگو و ایجاد روابط جدیدی بین افراد فراهم ساخته است. تکنولوژی ارتباطی باعث می‌شود که اجتماعات ارتباطی شکل گیرد که ارتباط بین مردم را تسهیل می‌سازد. انحصار دانش رسمی به وسیله نخبگان با استفاده از این تکنولوژی شکسته می‌شود و مردمان عادی از طریق اینترنت و خطوط اینترنتی که در سراسر جامعه پراکنده شده است به اطلاعات کافی و سودمند و آگاهی بخش دست پیدا می‌کنند (Gitlin, 1980: 153). و این آگاهی سیاسی ضمن افزایش نفوذپذیری حکومت‌ها، به توانمندسازی مردم جهت شکل‌دهی به حرکت‌های مردمی و تسریع آن منجر شده است. بنابراین با توجه به آنچه که مطرح شد، نمودار زیر در رابطه با "تأثیرات سیاسی توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی" می‌تواند مورد تأمل قرار گیرد:



شکل ۱ توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در اثرات سیاسی آن

۲. بررسی ساختار سیاسی مصر و تونس

در این قسمت، وضعیت ساختار سیاسی مصر در دوران مبارک و تونس در زمان بن‌علی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اهمیت فرایند شکل‌گیری تحولات اخیر در این کشورها که بیانگر نقش و اهمیت رسانه‌های گروهی مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و تویتر است بیشتر مورد تأمل قرار گیرد. در حقیقت نویسنده معتقد است که در عصر اطلاعات، تأثیرات سیاسی انقلاب ارتباطات و اطلاعات به نحو چشمگیری منجر به نفوذپذیری حکومت‌های

دیکتاتور منطقه به ویژه مصر و تونس شده و لذا این عامل توانسته ضمن افزایش آگاهی سیاسی مردم این کشورها و یکپارچگی گرایشات سیاسی آنان، در کنار عوامل دیگر همچون اقتصاد ناکارآمد و ساختار بسته سیاسی، منجر به شکل‌گیری جنبش‌های مردمی در این کشورها شود.

۲.۱. ساختار سیاسی مصر در دوران مبارک

مصر بزرگ‌ترین کشور عربی از حیث نفوس با جمعیتی بالغ بر ۸۰ میلیون نفر است که متوسط سنی در آن ۲۴ سال است و اکثریت جمعیت آن جوان هستند. حدود ۴ درصد مردم کمتر از ۲ دلار و حدود ۲۰ درصد کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند. میزان بیکاری در سال ۲۰۰۹، ۹/۴ درصد و در سال ۲۰۱۰ به ۹/۷ درصد افزایش یافته است. طبقه ثروتمند و پر درآمد تنها بخش کوچکی از جامعه مصر را تشکیل می‌دهد که رابطه بسیار خوبی با حاکمیت و خانواده مبارک داشته است. به یقین می‌توان گفت اکثریت مردم مصر زیر خط فقر هستند و این کشور دارای شکاف طبقاتی بسیار شدیدی است (مقصودی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱-۶۰).

مهم‌ترین عامل شتاب‌زا در شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های اجتماعی علیه مبارک، شکل‌گیری جنبش اجتماعی در تونس بود که منجر به پایان بیش از چهار دهه حکومت بن‌علی شد (سردارنیا، ۱۳۹۰). قیام مردم مصر بعد از تحولات تونس و خروج رئیس‌جمهور این کشور در حالی آغاز شد که شرایط مصر در آستانه بی‌ثباتی و تحولات جدی بود. با توجه به محدودیت‌های اعمال شده از سوی مبارک در خصوص روند دموکراتیک کشور و بستن فضای سیاسی مصر، به خصوص آنچه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ نمایان شد، حکومت مصر امکان هرگونه مشارکت احزاب و گروه‌های مخالف به خصوص احزاب اسلام‌گرا در ساختار قدرت و برخورداری آن‌ها از فضای باز سیاسی، رسانه‌ای و مطبوعاتی را از بین برد. در این وضعیت همان‌گونه که برخی از صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌کردند، تحول در مصر بسیار محتمل بود و آغاز این تحولات و بی‌ثباتی‌ها نیازمند یک حادثه خاص بود. سرانجام تحولات تونس بود که منجر به آغاز قیام مصری‌ها و اعتراضات گسترده آن‌ها علیه دولت مبارک شد.

جرقه انقلاب و اعتراضات مردمی مصر گرچه همزمان با اوج‌گیری انقلاب مردم تونس زده شد با این وجود، باید در نظر داشت که مصر یکی از مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه به دلیل ساختار سیاسی بسته و رشد تورم ۸ درصد و جمعیت بیکار میلیونی از قشر تحصیل‌کرده، مستعد تغییر و تحولات اساسی بود. به طوری که در قاهره پایتخت مصر از ۱۸ میلیون جمعیت ۱۰ میلیون نفر با روزانه ۲ دلار زندگی می‌کنند. فقر اقتصادی و ناعدالتی اجتماعی و طبقاتی از دلایل بروز شورش‌های خیابانی در مصر بوده است (مظاهری، ۱۳۸۹).

به طور کلی مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مبارک که بحران‌های عمیقی را در جامعه مصر ایجاد کرده بود، عبارت‌اند از:

۱. فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مصر که موجب نارضایتی مردم شد، فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان بود. سه دهه حکومت بلامنازع مبارک بر این کشور، باعث شده بود که بسیاری از نویسندگان او را مسئول رنج‌ها و مشکلات خود تلقی کنند (Osman, 2010: 186-7).

۲. شخصی بودن قدرت

ویژگی مهم دیگر حکومت مبارک که با گذشت زمان چشمگیرتر به نظر می‌رسید، شخصی بودن قدرت بود، به گونه‌ای که تمام قدرت در شخص مبارک متمرکز شده بود و نهادهای سیاسی از جمله نهاد ریاست جمهوری کارکرد خود را از دست داده بودند (Osman, 2010: 187-8).

۳. دموکراسی ظاهری و سرکوب سیاسی

وجود نوعی انتخابات رقابتی، محیط سیاسی چندحزبی، وجود دو مجلس سفلی و علیا و آزادی بیان نسبی در جامعه این امکان را برای رژیم مبارک فراهم می‌کرد که ادعای پیشرفت و توسعه سیاسی کرده و میزانی از خشم توده‌ها را تسکین بخشد. با این حال دموکراسی ظاهری فوق هیچ تهدیدی برای رژیم مبارک نبود (Osman, 2010: 190).

۴. اقتدارگرایی مبتنی بر هژمونی حزب حاکم

حکومت مبارک یکی از رژیم‌های اقتدارگرا محسوب می‌شود که برخی از اشکال انتخابات رقابتی را تحمل می‌کرد (Blayde, 2011: 214).

۵. فساد گسترده در طبقه حاکم

بدون شک بارزترین پدیده‌ای که نقش مؤثری در شکل‌گیری اعتراضات اخیر داشته، فساد اقتصادی گسترده در میان خانواده مبارک و نخبگان وابسته بوده است که البته از ساختار سیاسی آن نشئت می‌گیرد. در خصوص فساد خانواده مبارک گفته می‌شود: آن‌ها بین ۴۰ تا ۷۰ میلیون دلار دارایی داشته و ۳۹ مسئول بلندپایه یا تجار نزدیک به جمال مبارک هر کدام بیش از یک میلیارد دلار ثروت اندوخته‌اند (Goldstone, 2011).

این در شرایطی است که مصر از پتانسیل اقتصادی فراوانی در زمینه‌های توریسم، منابع معدنی، کانال سوئز و رود نیل برخوردار است. ولی به دلیل مدیریت فاجعه‌بار سیاسی که در مصر وجود دارد، مصری‌ها نمی‌توانند از این پتانسیل اقتصادی استفاده کنند. در واقع دولت مصر تنها با کمک‌های آمریکا و درآمدی که از کانال سوئز به دست می‌آورد اقتصاد این کشور را اداره می‌کرد (Greal, 2008: 2). میزان بیکاری در مصر بالاست و آماری که از سوی نهادهای بین‌المللی یا نهادهای غیر دولتی مصر ارائه شده، میزان بیکاری را ۴۲ درصد نشان می‌دهد. اما بررسی‌ها و مشاهدات عینی نشان می‌دهد که میزان واقعی بیکاری در مصر بالاتر از این رقم

می‌باشد. ۲۴ درصد مردم با درآمد کمتر از ۲ دلار زندگی می‌کنند. برنامه جهانی غذا، سال گذشته در گزارشی نوشت، دو سوم از کمک‌های تقریباً ۲ میلیارد دلاری آمریکا به مصر در جهت منافع اغنیا در این کشور هزینه می‌شود. در گزارش ارائه شده از سوی سازمان ملل، آمده است که بیش از نیمی از مردم مصر دچار فقر هستند. درک بهتر از فقر و بیکاری در مصر، تنها با حضور میدانی در این کشور میسر است (گلو، ۱۳۸۵: ۲۵۵).

در این میان، رشد سریع جمعیت و بیکاری گسترده، به ویژه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، شکاف عظیم طبقاتی، ناهنجاری‌های عمیق اجتماعی و ناکارآمدی دولت در حل مشکلات عینی، زمینه‌های نارضایتی گسترده و فراگیری را در این کشور ایجاد کرده بود. لینا اندرسون در این زمینه می‌گوید: «ناتوانی قهقراپی حکومت مبارک برای فراهم آوردن خدمات اساسی و بی‌تفاوتی آشکار در خصوص فقر و بیکاری گسترده، میلیون‌ها نفر از مردم مصر را از حکومت بیگانه کرد؛ این احساس با توجه به ولخرجی‌های متظاهرانه در میان نخبگان تجاری وابسته به جمال مبارک تشدید شده بود (Anderson, 2011: 12). لذا طبقات و نیروهای اجتماعی مختلفی از جمله کارگران، دانشجویان، روستاییان و طبقات پایین و متوسط شهرهای بزرگ و همچنین مسلمانان و مسیحیان که عملاً قاطبه ملت مصر را تشکیل می‌دهند، در مقابل حکومت قرار گرفته و هیچ نیروی اجتماعی قابل مقایسه‌ای از مبارک حمایت نکرد؛ همچنین احزاب اپوزیسیون و نخبگان سیاسی نیز به سرعت به اعتراضات پیوستند. در این میان، کشورهای خارجی تأثیرگذار به ویژه ایالات متحده آمریکا پذیرای تحولات کشورها شده و از مبارک حمایت نکرد. در نهایت، عدم حمایت نیروهای مسلح از مبارک سقوط زود هنگام حکومت مبارک را رقم زد.

۲.۲. ساختار سیاسی تونس در دوران بن‌علی

در ۷ نوامبر ۱۹۸۷ میلادی ژنرال "زین‌العابدین بن‌علی" به استناد یک گواهی پزشکی بورقیه را به علت اختلال روانی و بیماری فاقد توانایی لازم برای ادامه حکومت دانست. طبق قانون اساسی، بن‌علی که در اکتبر ۱۹۸۷ میلادی نخست وزیر تونس شده بود، به عنوان رئیس‌جمهور سوگند یاد کرد. بن‌علی دولت جدیدی تشکیل داد و چندین تن از دوستان نزدیک بورقیه را بر کنار کرد. وی در اولین نطق رادیویی خود بر حق مردم در دخالت در امور سیاسی و اقتصادی و لزوم تجدیدنظر در قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد با شرکت تمام گروه‌های سیاسی و نیز عفو عمومی تأکید کرد.

اما بن‌علی با حمله به هواداران النهضه در ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ میلادی، حدود سی هزار زندانی و صدها تبعیدی و ده‌ها کشته برجا گذاشت (امیرشاهی، ۱۳۷۳: ۸۶-۶۳). در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس نیز در مارس ۱۹۹۴ میلادی، بن‌علی و حزب او مجدداً با اکثریت

آرا سمت‌های خود را به دست آوردند. در ضمن، با اصلاحیه‌ای در قانون اساسی تونس در ۱۹۹۸ میلادی، انتخاب مجدد یک فرد به ریاست جمهوری تا سه دوره پنج ساله متوالی بلامانع اعلام شد. تونس، به رغم قبول نظام چند حزبی در انتخابات این سال، همچنان تحت سلطه نظام تک حزبی بود و بن‌علی با کسب ۹۹/۴ درصد آرا برای سومین بار تا ۲۰۰۴ میلادی در مقام خود ابقا شد.

نظامی که بن‌علی بر پا کرد، رئیس‌جمهور را در مقام دیکتاتوری قرار می‌داد که فصل‌الخطاب تمامی مسائل کشور بود. در این نظام رئیس‌جمهور، کابینه، نخست‌وزیر، حاکمان مناطق و رئیس سازمان رسمی نظارت بر انتخابات را تعیین می‌کرد. در ۲۶ می ۲۰۰۲ میلادی دولت بن‌علی، تغییر قانون اساسی کشور مصوب ژوئن ۱۹۵۹ میلادی را برای همه‌پرسی عمومی مطرح کرد. هدف از این همه‌پرسی اصلاح تمام فصول قانون اساسی کشور و نیمی از بندهای آن بود. بیشتر احزاب مخالف در این همه‌پرسی شرکت نکردند، ولی دولت اعلام کرد که ۹۹/۵۲ درصد از مردم با تغییر قانون اساسی کشور موافقت کرده‌اند. در این تغییرات، محدودیت تعداد دوره‌های ریاست جمهوری حذف شد و سن رئیس‌جمهور از هفتاد سالگی به ۷۵ سالگی افزایش یافت. به این ترتیب بن‌علی می‌توانست دو دوره انتخابی دیگر شرکت کند و تا ۲۰۱۴ میلادی در حکومت باقی بماند. اما در تاریخ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، و در پی ناآرامی‌ها و اعتراضات گسترده مردم تونس و کشته‌شدن ده‌ها نفر از معترضان در حمله نیروهای امنیتی به تظاهرکنندگان ضددولتی که با خودسوزی یک جوان تحصیل کرده در این کشور آغاز شد، زین‌العابدین بن‌علی ابتدا دولت و مجلس را منحل کرد و سپس از قدرت کنار رفت و جای خود را به محمد الغنوشی، نخست‌وزیر سپرد. بنابراین، در مجموع می‌توان عوامل زیر را در چرایی وقوع دگرگونی‌های تونس مورد توجه قرار داد.

۱. فضای بسته سیاسی

زین‌العابدین بن‌علی گرچه تلاش بسیاری کرد که در راستای نوسازی اقتصادی تونس به دقت توصیه‌ها و سیاست‌های ارائه شده از سوی نهادهای اقتصادی غربی را پیاده کند، اما در عین حال هیچ تلاشی برای بازسازی رفتار سیاسی حکومت خود نکرد. او در طول دورانی که قدرت را در دست داشت از هر ابزاری برای سرکوب مخالفان خود استفاده می‌کرد. بن‌علی گرچه تلاش می‌کرد خود را هوادار آزادی‌های سیاسی و مدنی نشان دهد، اما در عمل اجازه فعالیت آزادانه احزاب، سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری را نمی‌داد. بسیاری معتقدند همین بی‌توجهی بن‌علی به اصلاحات سیاسی باعث شد که وی برخلاف تصورش که فکر می‌کرد مطالبات سیاسی مردم در زیر زرق و برق‌های توسعه اقتصادی مدفون شده است و تونس در وضعیت با ثباتی قرار دارد ناگهان با سونامی اعتراضات مردمی علیه خود روبه‌رو شود که قادر به مهار آن نشد (رافعی، ۱۳۹۰: ۴-۹۳).

۲. فساد حکومتی

یکی دیگر از مشکلاتی که سیاست‌های اقتصادی دولت بن‌علی مسبب آن بود، ایجاد رانت‌ها و انحصارهای ویژه برای گروهی از وابستگان حکومتی بود. بر این اساس واگذاری بسیاری از پست‌های دولتی و پروژهای اقتصادی به افراد نزدیک خانواده حاکم و نبود سازوکارهای نظارتی قوی باعث گسترش ابعاد فساد اداری و دولتی در این کشور شد (رافعی، ۱۳۹۰: ۹۳).

۳. ناکارآمدی اقتصادی و نارضایتی سیاسی

گرچه عامل اقتصادی نقش آغازگر اعتراضات مردمی را بازی کرد، اما با گسترش اعتراضات، مخالفت با دیکتاتوری و مطرح شدن مطالبات سیاسی و عامل سیاسی نیز در صحنه حاضر شد. لغو آزادی‌های سیاسی که با توجیه اولویت رفاه و بهبود وضع اقتصادی تونسی‌ها انجام گرفت، نه تنها دولت رفاه به بار نیاورد بلکه رشد قابل توجه میزان بیکاری که با رشد سطح سواد جوانان تونسی همراه بود، تیرگی صحنه اقتصادی تونس را در سال‌های منتهی به سقوط بن‌علی در سال ۲۰۱۱، بیشتر کرد. لذا، هرچند تظاهرات با جرقه‌ای اقتصادی شکل گرفت، بلافاصله پس از گسترش این اعتراضات، مطالبات سیاسی از جمله محدود کردن دوره‌های ریاست جمهوری، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها مطرح شد. سرکوب تظاهرات در سه هفته نخست نیز به رادیکال‌تر شدن فضا و مصمم‌تر شدن معترضان و طرح مسئله ساقط کردن بن‌علی انجامید (احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۱).

۴. نامتوازن بودن توسعه اقتصادی و سیاسی

سیاست‌های اقتصادی دولت بن‌علی گرچه حجم ثروت را در این کشور افزایش داد و بخشی از مردم از مواهب آن بهره‌مند شدند اما در مقابل، بسیاری نیز بودند که نه تنها بهره‌ای از این رشد اقتصادی نبردند، بلکه با افزایش قیمت‌ها و نبود سیاست‌های حمایتی، روز به روز فقیرتر می‌شدند. به طوری که خرده فروش‌ها و تولیدکنندگان جز از این شیوه توسعه زیان دیدند و همراه با کارگرانی که درآمدشان به همراه تورم حاصله از ورود ثروت به کشور پیش نرفت، به طبقه فرودست رانده شدند.

یکی دیگر از مشکلات بسیار مهمی که در جامعه تونس در سال‌های اخیر دست به گریبان آن بوده و چه بسا عامل مهمی در آغاز اعتراض‌های مردمی بود، بالا بودن میزان بیکاری در این کشور است. نرخ بیکاری در تونس طی ماه‌های اخیر حدود ۱۸ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ بیکاری در برخی مناطق به بیش از ۳۰ درصد رسیده بود. در این میان بیکاری در قشر تحصیل کرده بیشتر محسوس بود (رافعی، ۱۳۹۰: ۶-۹۴). افزون بر عوامل بالا، دو مسئله دیگر تأثیری ژرف در هر دو مرحله آغاز قیام و سپس کامیابی آن بازی کردند: نخست، تناقضی که رژیم بن‌علی، همچون بسیاری از رژیم‌های عربی منطقه، بدان دچار بود و از تلاش بن‌علی

به اعطای نمایی مردم‌سالار به رژیم اقتدارگرای تونس ناشی می‌شد. تونس پیش از سقوط بن‌علی، احزاب سیاسی، پارلمان، مؤسسات مردم نهاد و سایر ویژگی‌های رژیم‌های مردم‌سالار را داشت، اما این فقط یک روی سکه بود. احزاب قانونی تونس احزاب ضعیف و ناکارآمدی بودند که قدرت رقابت در فضای پلیسی تونس را نداشتند و نظام به احزاب توانمند و با سابقه، همچون حزب بیداری، اجازه فعالیت نمی‌داد (احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۱). مسئله دوم به نگاه تملکی رژیم بن‌علی باز می‌گردد. مشکل برخلاف آنچه بسیاری مطرح می‌سازند، موروثی کردن حکومت یا مسائلی از این دست نیست. ژرفای مشکل به نوع نگاه حاکمان به حکومت به عنوان یک ملک و به دولت به عنوان یک کالا بازمی‌گردد که می‌توانند از آن برای ثروتمند شدن بهره‌گیرند یا آن را به میراث بگذارند یا به خرید و فروش و تبادل آن بپردازند. در واقع این نوع نگاه نشان‌دهنده فرهنگ سیاسی غالبی است که به تمام نظام‌های عرب، فارغ از ساختار قانونی اعلامی آن‌ها، تحمیل شده و رابطه حاکم با دولت را به رابطه‌ای مبتنی بر مالکیت کامل تبدیل کرده است. هیبو و هلسی، در تحلیلی جامع‌شناختی، نوع حکمرانی بن‌علی را مبتنی بر «خصوصی‌سازی دولت» می‌دانند و برآنند که «تسلط و سرکوب در تونس اغلب در قالب این نوع خاص حکمرانی بسیج می‌شود» (Hibou and Hulsey, 2006: 202). لذا همان‌طور که در موارد متعدد می‌توان مشاهده کرد؛ در حقیقت، ویژگی‌های ساختار سیاسی تونس به صورت مستقیم و غیر مستقیم، زمینه‌ساز بحران مشارکت، مشروعیت و هویت بوده است که توانسته بستر لازم را برای حرکت‌های مردمی در این کشور فراهم کند.

۳. توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تأثیر آن بر تحولات جدید در خاورمیانه

تحولات اخیر در خاورمیانه عربی را می‌توان در این چارچوب تحلیل کرد؛ گسترش طبقه اجتماعی جدید در پی دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده در سال‌های پس از جنگ سرد به خصوص در مصر و تونس در بستر توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در سطح جهان، نمایان شدن شکاف‌های جدید در فضای پس از جنگ سرد را به خوبی نشان می‌دهد.

افزایش نفوذپذیری دولت‌های منطقه به دلیل شکل‌گیری و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و تحت پوشش قرار دادن سرکوب‌های سیاسی این رژیم‌ها در سطوح منطقه‌ای و جهانی و بالا رفتن هزینه سرکوب، به ویژه پس از تأسیس شبکه الجزیره، گسترش روزافزون استفاده از اینترنت و فضای مجازی در کشورهای منطقه و نفوذپذیرتر شدن هر چه بیشتر حاکمیت دولت‌ها، و در کنار تمام این عوامل، محبوبیت روزافزون دموکراسی و فراگیری امواج دموکراتیزاسیون بعد از پایان جنگ سرد و افزایش هر چه بیشتر هزینه‌های حاکمان مقتدر عربی باعث شد تا اعتراضات مردمی روزبه‌روز افزایش یابد و در جامعه مدنی مجازی شکل تقریباً

یکپارچه‌ای به خود بگیرد و با ایجاد جرقه اولیه در تونس، بغض این جنبش‌های معترض در تمامی کشورهای عرب منطقه بترکد (Lord and Sharp, 2011: 9).

از آنجا که در کشورهای توسعه نیافته عربی، رسانه‌ها اغلب در انحصار دولت بوده است، به طور طبیعی صاحبان رسانه از آن در جهت تحکیم حضور و مشروعیت خود بهره می‌برد. وجود شبکه‌های اجتماعی که این انحصارطلبی را دچار شکست می‌کرد به ابزاری برای اطلاع‌رسانی و افزایش بینش سیاسی مردم در این کشورها تبدیل شد. از این رو، پس از تحولات صورت گرفته در نظام‌های سیاسی تونس و مصر، دیگر نظام‌های سیاسی منطقه شمال آفریقا و خلیج فارس از جمله کشورهای لیبی، اردن، عربستان، یمن، بحرین، الجزایر و ... نیز خواستار اصلاحات در ساختار سیاسی و روند دموکراسی در کشورهای خود شدند. که این خواسته منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی محدود یا گسترده علیه نظام حاکم در آن کشورها شد. آنچه در این تحولات انکارناپذیر بود تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت و به خصوص شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و فیس‌بوک در اطلاع‌رسانی سریع و گسترده و گسترش سریع این تحولات در کشورهای منطقه بود. با وجود قطعی گسترده یا کندی سرعت اینترنت، تلفن همراه و سامانه ارسال پیام کوتاه، در بعضی از کشورها باز هم تحولات منطقه از طریق اینترنت و شبکه‌های خبری، اطلاع‌رسانی و برنامه‌ریزی‌ها جهت تجمعات اعتراضی و راهپیمایی‌ها به خصوص توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی در توئیتر و فیس‌بوک صورت گرفته و این موضوع، نشان‌دهنده نقش ابزارهای جدید در تحولات سیاسی و حتی اجتماعی است (الوند، ۱۳۹۰: ۷).

باید به این جنبه از این موضوع نیز نگاه داشت که، در حالی که دسترسی فراوان و گسترده به اینترنت می‌تواند نقش مهمی در ارتقای حقوق بشر و پیشرفت سیستم‌های سیاسی داشته باشد، از سوی دیگر می‌تواند مورد سوءاستفاده دیکتاتورها و تروریست‌ها نیز قرار بگیرد. گروه‌های دموکراسی خواهی اگرچه ممکن است با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های جدید، اعتراضات مسالمت‌آمیز را سازمان دهی کنند؛ اما رژیم‌های سرکوبگر نیز با استفاده از همین روش به مقابله با آن‌ها می‌پردازند. فعالان حقوق بشر با استفاده از اینترنت جهانی را مطلع کرده و باعث رسوایی دولت‌هایی می‌شوند که به ارزش‌های جهانی احترام نمی‌گذارند، اما از سوی دیگر گروه‌های افراطی نیز با استفاده از همین روش ایدئولوژی خود را گسترش داده و در سراسر دنیا عضو می‌گیرند. به طور خلاصه، اینترنت شبکه وسیعی است که باعث تسریع ارتباطات چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی می‌شود (Lord and Sharp, 2011: 12).

از سوی دیگر دسترسی به اینترنت باعث افزایش احترام به ارزش‌های جهانی شده است، ارزش‌هایی همچون آزادی بیان و آزادی تجمعات (اعتراض‌آمیز). اینترنت باعث شد مدافعین این ارزش‌ها، ابزارهایی جدید برای پیشبرد اهداف خود داشته باشند. اینترنت ناراضیان را

یک صدا کرد تا شنیده شوند و به عموم مردم وسیله‌ای داد تا سازماندهی شوند. درحالی‌که برخی تحلیل‌گران نقش اینترنت در انقلاب‌های خاورمیانه و شمال آفریقا را انکار می‌کنند، شبکه‌های اجتماعی همچون توئیتر و فیس‌بوک نقش بسزایی در شکل‌گیری این حوادث داشته‌اند (Lord and Sharp, 2011: 12).

جوامعی که دیکتاتوری و تک‌صدایی به شمار می‌روند، بی‌گمان، اگر زیر فشار حکومت و در سایه سانسور در یک جامعه، راه‌های معمول برای بیان خواسته‌ها و اعتراض بسته باشد، شهروندان به کانال‌ها و شیوه‌هایی چون اعتراضات خیابانی یا رسانه‌های نوین مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی رو می‌کنند؛ تا هم صدای خود را به گوش آزادی خواهان در دیگر کشورها برسانند و هم به کمک امکاناتی که رسانه‌های نوین به ویژه شبکه‌های اجتماعی در اختیارشان گذاشته، متشکل شوند. سازماندهی بسیاری از تجمع‌های سیاسی و اعتراضی در همین شبکه‌ها صورت گرفته است. فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب از مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی هستند. نقش شبکه‌های مجازی و اجتماعی در شکل‌گیری تحولات منطقه، به حدی بود که برخی تحلیل‌گران از آن به عنوان "انقلاب توئیتری و یا فیسبوکی" یاد می‌کنند (مقصودی و وحیدری، ۱۳۹۰: ۲-۵۱). بر این اساس باید گفت که نقطه مشترک این جنبش‌ها نقش رسانه‌های الکترونیکی نوین یعنی ماهواره و جوامع مجازی الکترونیکی، مانند شبکه‌های اجتماعی، پیامک‌های تلفنی و ... در شکل‌گیری آن‌ها است.

۱.۳. توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تحولات جدید مصر

در کشور مصر بیش از ۲۰ میلیون نفر از اینترنت استفاده می‌کنند. ۴۲ میلیون نفر تلفن همراه دارند. از این دو جهت مصر در قاره آفریقا اول است. در مصر ۱۶۲ هزار بلاگر فعال‌اند. اکثرشان هم جوان هستند و در طول عمرشان جز مبارک، رئیس‌جمهوری ندیده‌اند. اینترنت برای این جوانان راه تازه‌ای گشوده است (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۵). در سال ۲۰۰۸ یک گروه با بهره‌گیری از فیس‌بوک توانست ۸۰ هزار نفر را علیه گرانی مواد غذایی بسیج کند. همچنین از فیس‌بوک برای جلب پشتیبانی از اعتصاب کارگران پارچه بافی و اعتراض‌های کارگری ۶ آوریل ۲۰۰۸ استفاده خوبی شد و این نخستین اعتصاب موفق در این کشور بود که با بسیج اینترنتی برگزار شد و دولت مصر در ۶ آوریل ۲۰۰۸ یکباره تکان خورد و سعی در رسیدگی به درخواست معترضین کرد. از آن زمان، ۶ آوریل روز "ناخشنودی ملی مصر" نام گرفت و همه گروه‌های سیاسی و اجتماعی مصر به این مناسبت بسیج شده و خواهان انجام اصلاحات در کشورشان شدند (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۶).

انقلاب مصر و موج اعتراضات در این کشور با فراخوان تجمع در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در صفحه "کلنا خالد سعید" به عنوان روز انقلاب بر ضد فقر، فساد و بیکاری مصر در فیس‌بوک آغاز شد. صفحه "همه ما خالد سعید هستیم" به "سعید" جوان مصری اشاره دارد که چند ماه

پیش از این بر اثر شکنجه پلیس، جان سپرد اما مسئولان از پذیرش مسئولیت آن خودداری کرده بودند. این فراخوان برای انجام اعتراضات در مصر، توسط یک گروه جوانان حامی دموکراسی به نام جنبش ۶ آوریل انجام شد. روز ۲۵ ژانویه از آن رو پیشنهاد شد که "روز ملی پلیس" در مصر است. ده‌ها هزار نفر در یک صفحه فیس‌بوک اعلام کردند که در تظاهرات شرکت خواهند داشت. وزارت کشور اعلام کرده بود که با قاطعیت با قانون شکنان برخورد خواهد کرد زیرا بر اساس قانون شرایط اضطراری، تظاهرات خیابانی ممنوع است؛ اما با همه این‌ها اعتراضات و شورش‌ها در چندین شهر ادامه پیدا کرد و مصری‌های بیشماری با عطش نابودی مبارک و از میان برداشتن ظلم‌ها و تبعیضات سی‌ساله در ۲۵ ژانویه تجمع کردند و روز اول انقلاب با نام "روز خشم" ملت مصر آغاز شد (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۵).

با توجه به اینکه رسانه‌ها، یکی از ابزارهای قدرت دولت‌ها محسوب می‌شود؛ لذا در طی اعتراضات و انقلاب مردم مصر، با توجه به نقش اینترنت که یک رسانه مردمی است و جوانان مصری از طریق آن اقدام به تبادل اطلاعات و سازماندهی قیام‌ها می‌کردند، دولت مصر سه روز پس از شروع تظاهرات مردم، در ۲۸ و ۲۹ ژانویه اقدام به قطع اینترنت و تلفن همراه کرد تا بدین‌وسیله ارتباط تظاهرات‌کنندگان را قطع کند. ولی ناآرامی‌های مصر به سرعت تبدیل به یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در شبکه‌های اجتماعی شد. شبکه اجتماعی توییتر نیز توسط دولت مصر در این کشور بلوکه شد.

آمریکایی‌ها معتقدند شبکه اجتماعی توییتر نقش مهمی در شنیده شدن صدای مردم مصر داشته است. آن‌ها معتقدند همکاری این شبکه اجتماعی با غول اینترنتی گوگل باعث ایجاد امکان اشتراک صوتی فایل‌ها از طریق پست الکترونیک صوتی شده است (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷). "وائل غنیم"، مدیر صفحه کلنا خالد سعید نیز دو روز پس از آغاز انقلاب مصر توسط نیروهای امنیتی به مدت ۱۲ روز بازداشت شد. اما تجمعات چندهزار نفری در روزهای پس از ۲۵ ژانویه به تجمعات و راهپیمایی‌ها میلیونی در قاهره برای سرنگونی مبارک تبدیل شد.

۳.۲. توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تحولات جدید تونس

همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، تعداد کاربران اینترنت در تونس حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است که با توجه به جمعیت حدوداً ۱۰ میلیونی این کشور رقم قابل توجهی است که به نوعی بیانگر میزان بالای جوانان تحصیلکرده در این کشور نیز است.

نام کشور	تعداد کاربران اینترنت	کل جمعیت	متوسط سن
مصر	۲۰/۱۳۶/۰۰۰	۸۰/۴۷۱/۸۶۹	۲۴
تونس	۳/۵۰۰/۰۰۰	۱۰/۴۳۲/۵۰۰	۲۴/۹

منبع: <http://www.khabaronline.ir/news-126393.aspx>

در تونس کاربران رسانه‌های جمعی نوین نظیر پست الکترونیک و فیس‌بوک خودسوزی "بوعزیزی" را به یک اعتراض جمعی تبدیل کردند (مقصودی وحیدری، ۱۳۹۰: ۲-۵۱). جوانان تونس از این رسانه‌های اینترنتی برای سازماندهی تظاهرات بهره می‌گرفتند. برای مثال، در فاصله ۱۸ تا ۲۶ دسامبر ۲۰۱۰، حداقل افرادی که از فیس‌بوک بهره گرفتند در کمترین روز بهره‌گیری از این رسانه، یک میلیون و ۸۲۰ هزار کاربر بوده است و اگر این آمار را در کنار جمعیت ۱۰ میلیونی تونس قرار دهیم، میزان تأثیرگذاری این رسانه روشن‌تر می‌شود. علاوه بر فیس‌بوک، سایت توئیتر و شبکه خبری الجزیره نیز در خبررسانی و سازماندهی اعتراضات نقشی اساسی داشته‌اند.

به راستی می‌توان گفت که یکی از عوامل اصلی سرنگونی رژیم بن‌علی در تونس، فضای بسته و سانسورهای اعمال شده بر رسانه‌های اصلی آن کشور (راديو، تلویزیون، مطبوعات و...) در کنار دیگر عوامل چون بیکاری، تورم سنگین، افزایش شمار دانش‌آموختگان و شهرنشینان و گسترش طبقه متوسط بوده است. در واقع، جوانانی که در سایه استبداد حاکم بر تونس توان ابراز وجود در فضای اجتماعی و سیاسی واقعی نداشتند، کوشیدند از راه شبکه‌های اجتماعی به اظهارنظر بپردازند و احساس "بودن" را که در سایه استبداد رنگ باخته بود، در فضای سایبر به خود برگردانند؛ و چه بسا همین، مایه دلگرمی و سرازیرشدنشان به خیابان‌ها شد (کیا و محمودی، ۱۳۹۰: ۱۹). در پایان باید دو نکته را مد نظر قرار داد:

نخست آنکه، ضمن اینکه گسترش روزافزون استفاده از اینترنت در بین مردم منطقه موجب رسوخ‌پذیر شدن حاکمیت دولت‌ها و آشنا شدن مردم منطقه با دموکراسی و ارزش‌های انسانی می‌شود، در عین حال، رشد و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت و تحت‌پوشش قرار گرفتن سرکوب مردم منطقه توسط این شبکه‌ها، سبب می‌شود که دولت‌های مقتدر منطقه نتوانند کمافی‌السابق به اجرای سیاست‌های سرکوب و خفقان خود بپردازند.

دوم آنکه، واضح است که ملت‌ها بدون چنین ابزارهایی هم دست به انقلاب می‌زنند؛ اما از یک طرف، در حکومت‌های سرکوب‌گر که ارتباطات سیاسی چهره به چهره به شدت محدود است، محیطی‌هایی مانند فیس‌بوک فضایی را فراهم می‌کند که سکوت و ترس در آن شکسته شده و اعتماد ایجاد می‌شود و به همین نسبت نیز حاکمیت را تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی است که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به سیاست بگرایند و ساکنان داخل یک کشور و خارج نشین‌های اپوزیسیون را به هم بپیوندند. و از طرف دیگر، این ابزارها ضمن یکپارچگی نظرات سیاسی و نزدیک کردن عقاید آنان، می‌تواند به تسریع و گسترش حرکت‌های مردمی در منطقه منجر شود؛ همچنان که در کشور مهمی مانند مصر، شاهد سرنگونی دیکتاتوری همچون مبارک — با آن پشتوانه نظامی قوی و حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی — در عرض فقط ۱۸ روز پس از شروع تحولات در این کشور هستیم.

در پایان نباید نقش مهم رسانه‌های دیجیتال جمهوری اسلامی و جهان اسلام را در بیداری اسلامی منطقه نادیده گرفت. نقش این رسانه‌ها در دفاع از مطالبات جهان اسلام و کمک به کشورهای مسلمان منطقه برای رهایی از محاصره کشورهای غربی از طریق اطلاع‌رسانی رنج ملت‌ها و روشننگری در مورد نقش کشورهای غربی در تحمیل این رنج بر مردم به خوبی پدیدار است. رسانه‌های جمهوری اسلامی به خوبی ماهیت دیکتاتورهای عرب و وابستگی آن‌ها را به غرب در جهت افزایش آگاهی مردم و از سوی دیگر با آشنا کردن مردم منطقه با فرهنگ مقاومت که تجربه‌ای ارزنده از انقلاب اسلامی ایران است، مردم را به مقاومت در برابر دیکتاتورها تشویق کرده‌اند. تأثیر روشننگری رسانه‌های دیجیتال ایران در ایجاد، گسترش و استمرار بیداری اسلامی در منطقه به حدی بود که قطع برنامه‌های شبکه‌های ایرانی از سوی ماهواره هارتبرد، گویای واقعی این ادعاست.

نتیجه‌گیری

توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شرایطی را پدیدآورده که در آن قدرت کنترل بر اطلاعات، به میزان بسیار بیشتری توزیع شده و کاهش یافته است. رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها در کنترل دبیران مطبوعاتی و مسئولان پخش‌کننده برنامه‌ها قرار دارند؛ در حالی که اینترنت زمینه ارتباطات نامحدود فرد به فرد، از طریق پست الکترونیک، یک فرد به تعداد بیشتری از افراد، از طریق وب‌گاه شخصی یا کنفرانس الکترونیک، را فراهم می‌کند. پیام‌های اینترنتی از این توان برخوردارند که به میزان بیشتر و سریع‌تر و با دخالت شمار کمتری از افراد میانجی، جریان پیدا کنند. در این عرصه اقدامات تجسسی متمرکز حکومت‌ها امری ممکن است؛ اما حکومت‌هایی که بخواهند جریان اطلاعات را از راه کنترل اینترنت، کنترل کنند، ناچار به تحمل هزینه بالایی خواهند شد و در آخر کار نیز از تلاش‌های خود ثمره چندانی نخواهند گرفت. لذا ما شاهد آن هستیم که فناوری‌های اطلاعاتی جدید، به جای آنکه به تقویت تمرکزگرایی و بوروکراسی کمک کنند، عملاً به تقویت سازمان‌های شبکه‌ای، انواع جدیدی از اجتماعات انسانی و طرح درخواست‌هایی برای ایفای نقش متفاوت توسط حکومت‌ها، منجر شده است.

بنابراین، نقش عوامل و مؤلفه‌های توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به خوبی در بیداری اسلامی خاورمیانه به چشم می‌آید. جریان آزاد اطلاعات موجب افزایش آگاهی سیاسی نسل جوانی می‌شود که در تمام طول عمر خود شاید بیش از یک رئیس‌جمهور ندیده‌اند. جوانان که پایه‌های اصلی جنبش‌های اجتماعی در منطقه هستند از طریق این ابزارها با دنیای جدیدی آشنا می‌شوند که با دنیای آن‌ها بسیار متفاوت است. از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی در قالب اینترنت سبب هماهنگی و یکپارچگی نظرات و گرایش‌های سیاسی مردم در این کشورها می‌شود. مردمی که در شبکه‌های اجتماعی در مورد مسائل مختلف به اظهار نظر می‌پردازند و با

دغدغه‌های مشترک به دنبال راه‌حلی مشترک برای دغدغه‌های خود هستند. لذا آنچه که در این بیداری اسلامی خاورمیانه انکارناپذیر بود، تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت و به خصوص شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و فیس‌بوک در اطلاع‌رسانی سریع و گسترده و گسترش سریع این تحولات در کشورهای منطقه بود. در حقیقت، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی توسعه یافته را می‌توان عامل شتاب‌زای تحولات جدید مصر و تونس، در کنار دو عامل اصلی ناکارآمدی اقتصادی و ساختار بسته سیاسی دانست که به صورت مستقیم سرنگونی این حکومت‌های دیکتاتور را نشانه رفته است.

منابع

- احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، "تحولات اخیر تونس و پیامدهای منطقه‌ای آن"، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- اری، جان (۱۳۸۳)، "جامعه‌شناسی متحرک"، ترجمه یوسف اباذری، فصلنامه ارغنون شماره ۲۴ (ویژه‌نامه جهانی شدن).
- امیرشاهی، ذوالفقار (۱۳۷۳)، تونس، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- حمیدی، صدیقه، (۱۳۹۰)، "نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب مصر"، مرکز نشر جامعه المصطفی.
- رافعی، ابولفضل، (۱۳۹۰)، "بیداری اسلامی در تونس"، مرکز اسناد و مطالعات راهبردی فلسطین و خاورمیانه.
- روزنا، جیمز و دیگران (۱۳۹۰)، انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سردارنیا، خلیل، (۱۳۹۰)، "تحلیل ساختاری و کنشگرا بر چرایی تثبیت حکومت اقتدارگرایی در مصر"، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم.
- کاستلز مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، فرهنگ جلد اول، ترجمه احمد عقیلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو، جلد ۱.
- کیا، علی اصغر و محمودی، عبدالصمد (۱۳۹۰)، "نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس" ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸۳.
- گلرو، عباس (۱۳۸۵)، "بررسی مقایسه‌ای اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و مصر بر مبنای نوع رابطه این دو کشور با آمریکا" علوم سیاسی، مطالعات آفریقا، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۱۴.
- مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق، (۱۳۹۰)، "بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه"، فصلنامه رهنما سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم.
- قائم، مهدی و تارتار، عزیز (۱۳۸۴)، "اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه‌های خاموش"، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۴.
- میرمحمدی، مهدی و محمدی لرد، عبدالحمود (۱۳۸۷)، سیاست و اطلاعات: مطالعه موردی ایالات متحده آمریکا، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت در عصر اطلاعات (از واقع‌گرایی تا جهانی شدن)، ترجمه سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

الوند، فاطمه، (۱۳۹۰)، "نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری تحولات سیاسی و فرهنگی با تمرکز بر امواج"، نشریه روابط فرهنگی (وابسته به معاونت پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)، شماره اول. مظاهری، محمد مهدی. تحولات اخیر مصر. مراجعه کنید به:

<http://iranyar.ir/discussion/15405-1389-11-15-12-00-15.html>

Anderson, Lisa. (2011), "Demystifying the Arab spring", *Foreign affairs*.

B. Hibou and J. Hulsey, (2006), "Domination & Control in Tunisia: Economic Levers for the Exercise of Authoritarian Power," *Review of African Political Economy*.

Blaydes, Lisa. (2011), *Elections and Distributive Politics in Mubarak's Egypt*, Cambridge University Press, Press.

Blumer. Herbert (1969), *The study of social movements*. London: routledge.

Castells, M. (1989), "The Informational City: Information Technology, Economic "Center for Strategic and International Studies".

Giltlin, todd. (1980), *the whole world watching*, Berkeley: university of californiapress

Goldstone, Jack A. (2011), "Understanding the Revolutions of 2011", *Foreign Affairs*, May/ June:

<http://www.foreignaffair.com/articles/67694/Jack-agoldston/understanding-the-revolution-2011>.

Great Chris, (2008), "Egypt: Bread Shortages, Hunger and Unrest," *The Guardian*,

Henry, Ryan (1998), *The Information Revolution and International Security*

Lord, Kristin M. & Sharp, Travis (2011), "America's Cyber future Security and Prosperity in the Information Age", *Center for a New American Security*, Volume I.

lowe, p and morison (1984), bad news or good news: environmental politics and the media, the sociological review, 32.

Nye, Joseph s. (2010), "Cyber Power", *Belfer Center for Science and International Affairs*

Osman, Tarek. (2010), *Egypt on the Brink From Nasser to Mubarak Mubarak*, Yale University Press.

Pladna. Brett. (2010), "Cyber Terrorism and Information Security" East Carolina University.

